



Journal of Islamic Propagation

Volume 6 ● No 14 ● Autumn & Winter 2026

Faith and Livelihood

An Explanation of the Ideal Model in Islamic Teachings

Mohammad Ali Mobini*

Abstract

In Islamic teachings, both excessive worldliness and attachment to worldly life, as well as world-denial and abandoning economic activity under the pretext of otherworldliness, are explicitly condemned. From the perspective of the Holy Qur'an and the conduct (sirah) of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), neither a worldly orientation that neglects the Hereafter nor a form of otherworldliness detached from worldly life is desirable. Rather, what Islamic teachings recommend is a balanced and moderate approach that may be described as "faith-centered engagement with the world." In this approach, faith and livelihood are not seen as being in conflict; instead, livelihood is defined as a field for realizing spiritual and otherworldly objectives. According to this view, a believing person is obliged—through sincere intention and a God-oriented direction—to contribute to the flourishing of worldly life and to provide for his or her own material needs as well as those of others. Despite the outward similarity of people's economic activities, what creates a fundamental distinction between the economic conduct of a believer and that of a worldly-minded individual is the inner dimension of these activities and the intention governing them. When everyday and economic actions are carried out within a framework of faith and spirituality, they transcend purely material behavior and become acts of value and means of drawing nearer to God. This article adopts an analytical approach and, drawing upon verses of the Holy Qur'an and narrations of the Ahl al-Bayt (peace be upon them), seeks to clarify the relationship between faith and livelihood and to present a religious framework for properly engaging with worldly life and economic activity.

Keywords

Faith; Livelihood; World; Worldliness; Ascetic Withdrawal; Faith-Centered World Engagement.

* Associate Professor, Department of Moral Philosophy, Research Center for Islamic Philosophy and Theology, Islamic Sciences and Culture Academy, Qom, Iran. Email: ma.mobini@isca.ac.ir.

ایمان و معیشت

دکتر محمدعلی مبینی*

چکیده

در آموزه‌های اسلامی، هم دنیامداری و دلبستگی افراطی به دنیا و هم دنیاگریزی و کنار نهادن فعالیت‌های معیشتی به بهانه آخرت‌گرایی، به صراحت نکوهش شده است. از دیدگاه قرآن کریم و سیره اهل بیت علیهم السلام، نه دنیاگرایی غافل از آخرت مطلوب است و نه آخرت‌گرایی منقطع از دنیا، بلکه آنچه تعالیم اسلامی بدان توصیه می‌کند، نوعی رویکرد میانه و متعادل است که می‌توان از آن با عنوان «دنیاپردازی مؤمنانه» یاد کرد؛ رویکردی که در آن ایمان و معیشت در تعارض با یکدیگر قرار نمی‌گیرند، بلکه معیشت به مثابه عرصه‌ای برای تحقق اهداف ایمانی و آخرتی تعریف می‌شود.

بر اساس این نگرش، انسان مؤمن وظیفه دارد با نیت صحیح و جهت‌گیری الهی، به آبادانی دنیا و تأمین نیازهای مادی خود و دیگران بپردازد. با وجود شباهت ظاهری فعالیت‌های معیشتی افراد، آنچه موجب تمایز اساسی میان کنش‌های اقتصادی انسان مؤمن و انسان دنیامدار می‌شود، صورت باطنی این فعالیت‌ها و نیت حاکم بر آنهاست. هنگامی که اعمال روزمره و معیشتی در فضای ایمانی و معنوی انجام گیرند، از سطح رفتارهای صرفاً مادی فراتر می‌روند و به اعمالی ارزشمند و قرب‌آفرین تبدیل می‌شوند. این مقاله با رویکردی تحلیلی و با استناد به آیات قرآن کریم و روایات اهل بیت علیهم السلام، به تبیین نسبت ایمان و معیشت می‌پردازد و می‌کوشد چارچوبی دینی برای مواجهه صحیح با دنیا و فعالیت‌های معیشتی ارائه دهد.

کلیدواژه‌گان: ایمان، معیشت، دنیا، دنیاطلبی، دنیاگریزی، دنیاپردازی مؤمنانه.

* دانشیار گروه فلسفه اخلاق، پژوهشکده فلسفه و کلام اسلامی، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی:

مقدمه

یکی از پرسش‌های بنیادینی که همواره ذهن برخی افراد متدین به‌ویژه کسانی را به خود مشغول می‌کند که در پی ارتقای سطح ایمان خویش هستند، چگونگی مواجهه انسان با ایمان با دنیا و شئون مادی زندگی است. اگر کسی بخواهد به مراتب بالای ایمان دست یابد، نسبت او با دنیا و فعالیت‌های معیشتی چگونه باید باشد؟ آیا هر اندازه فاصله‌گرفتن از دنیا بیشتر شود، قرب الهی نیز افزون‌تر خواهد شد؟ و آیا آمادگی برای آخرت مستلزم کناره‌گیری از دنیا و ترک تلاش‌های معیشتی است؟

در این میان، ابهام در مفاهیم کلیدی «ایمان»، «دنیا» و «معیشت» گاه موجب برداشت‌های نادرست و شکل‌گیری رویکردهای افراطی می‌شود. ایمان در نگاه قرآنی، صرفاً یک باور ذهنی یا گرایش قلبی نیست، بلکه حقیقتی است که التزام عملی و جهت‌دهی به رفتارهای فردی و اجتماعی را نیز دربر می‌گیرد. از سوی دیگر مراد از دنیا در متون دینی، اصل عالم ماده و زندگی دنیوی نیست، بلکه دلبستگی، ترجیح و غایت‌سازی دنیا به گونه‌ای است که انسان را از یاد خدا و آخرت باز دارد. معیشت نیز در جایگاه یکی از مهم‌ترین عرصه‌های زندگی دنیوی، ناظر به تلاش انسان برای تأمین نیازهای مادی و سامان‌دهی حیات اقتصادی خویش و خانواده است و در منطق اسلامی نمی‌توان آن را بیرون از دایره ایمان و دینداری تلقی کرد. یادآوری می‌شود که در این مقاله، معیشت نه به معنای شاخص‌های اقتصادی، بلکه به مثابه میدان کنش ایمانی تحلیل می‌شود.

پرسش اصلی مقاله این است که رویکرد خداپسندانه در برابر دنیا و معیشت چیست؟ و ایمان چه نقشی در جهت‌دهی به فعالیت‌های معیشتی انسان ایفا می‌کند؟ آیا پرداختن به معیشت، انسان را ناگزیر به دنیاطلبی می‌کشانند یا می‌توان با حفظ ایمان، فعالیت‌های اقتصادی و معیشتی را در مسیر تعالی معنوی قرار داد؟ تفاوت فعالیت‌های معیشتی یک انسان مؤمن با فرد مبتلا به دنیاطلبی در کجاست؟

این مقاله می‌کوشد با رجوع به قرآن کریم و سیره و گفتار اهل بیت علیهم‌السلام، ضمن تبیین مفهومی ایمان، دنیا و معیشت، نسبت صحیح میان آنها را روشن کند و نشان دهد که از منظر اسلام، نه دنیامداری و غرق‌شدن در معیشتِ غافل از آخرت پذیرفتنی است و نه دنیاگریزی و رهاکردن مسئولیت‌های معیشتی به بهانه دینداری، بلکه رویکرد مطلوب، پیوند ایمان و معیشت در

چارچوبی متعادل و معنامند است که می‌تواند زندگی دنیوی انسان را به بستری برای سعادت اخروی تبدیل کند.

۱. مردود بودن دنیامداری و غایت‌انگاری معیشت

یکی از آموزه‌های یقینی اسلامی، نهی از وابستگی به دنیاست. مراد از وابستگی به دنیا آن نیست که انسان از نعمت‌های الهی بهره‌مند شود یا برای تأمین زندگی مادی خویش بکوشد، بلکه مقصود آن است که انسان چنان به دنیا و شئون آن به‌ویژه معیشت و امکانات اقتصادی دلبسته شود که در مقام تعارض میان ایمان و دنیا، دنیا را ترجیح دهد. در چنین حالتی، علاقه و محبت به دنیا به گونه‌ای شکل می‌گیرد که انسان را از انجام وظایف دینی و مسئولیت‌های ایمانی مانند انفاق، پرداخت خمس و زکات، شرکت در جهاد و مانند آن باز می‌دارد.

امام حسین علیه السلام در توصیف چنین وضعیتی، تصویری عمیق و گویا از رابطه نادرست انسان با دنیا و معیشت ارائه می‌دهد و می‌فرماید: «إِنَّ النَّاسَ غَبِيذُ الدُّنْيَا وَالِدَيْنِ لَعَقُّ عَلَى أَلْسِنَتِهِمْ يَحُوطُونَ مَا دَرَّتْ مَعَائِشُهُمْ فَإِذَا مُحْصُوا بِالْبَلَاءِ قَلَّ الدَّيَّانُونَ: به‌راستی که مردم بنده دنیایند و دین بر زبان‌شان می‌چرخد و تا وقتی زندگی‌هاشان بر محور دین بگردد، در پی آن‌اند؛ اما وقتی به وسیله بلا آزموده شوند، دینداران اندک می‌شوند» (ابن‌شعبه، ۱۳۸۲ ش، ص ۲۴۵).

این روایت به‌روشنی نشان می‌دهد که مشکل اصلی، نفسِ معیشت یا تلاش اقتصادی نیست، بلکه محوریت‌یافتن معیشت و تبدیل آن به معیار دینداری است؛ به گونه‌ای که دین تا جایی مقبول است که معیشت را تأمین کند و با آن تعارض نداشته باشد. این همان رویکردی است که از آن با عناوینی چون دنیامداری، دنیاگرایی، دنیازدگی و دنیاطلبی یاد می‌شود.

دنیامداری به این معنا از منظر قرآن کریم و آموزه‌های اسلامی، به‌شدت مذموم و مخالف روح ایمان شمرده شده است. آیات و روایات فراوانی از دل‌بستن به دنیا و ترجیح آن بر آخرت نهی می‌کنند و آن را عامل شقاوت و بدبختی انسان دانسته‌اند. خداوند متعال نزول عذاب بر اهل کفر را به این امر نسبت می‌دهد که زندگی دنیا را بر آخرت ترجیح داده‌اند: «ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ» (نحل: ۱۰۷).

در روایات نیز «حب دنیا» ریشه بسیاری از انحراف‌های فردی و اجتماعی معرفی شده است. امیرالمؤمنین علیه السلام در بیانات متعددی، آثار ویران‌کننده دلبستگی افراطی به دنیا را

برمی‌شمارد؛ از جمله اینکه حب دنیا منشأ هر خطا و سرچشمه هر بلاست: «إِيَّاكَ وَ حَبَّ الدُّنْيَا فَإِنَّهَا أَوَّلُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ مَعْدَنُ كُلِّ بَلِيَّةٍ» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۱۶۸)؛ همچنین می‌فرماید: «حَبُّ الدُّنْيَا رَأْسُ الْفِتَنِ وَ أَوَّلُ الْمَحْنِ: حَبُّ دُنْيَا رِيْشَةُ فِتْنَتِهَا وَ سَخْتِي هَاسِت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۴۸)؛ یا «سَبَبُ الشَّقَاءِ حَبُّ الدُّنْيَا: سَبَبُ بَدْبَخْتِي اسْت» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۵)؛ «سَبَبُ فِسَادِ الْعَقْلِ حَبُّ الدُّنْيَا: عَقْلٌ رَافَسَدٌ مِي كُنْد» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۳۹۶) و «كَمَا أَنَّ الشَّمْسَ وَ اللَّيْلَ لَا يَجْتَمِعَانِ كَذَلِكَ حَبُّ اللَّهِ وَ حَبُّ الدُّنْيَا لَا يَجْتَمِعَانِ: مَحَبَّتُ خَدَا بَا مَحَبَّتُ دُنْيَا دَر دَلِ انْسَانِ جَمْعٌ نَمِي شُود، چنان‌که شب و خورشید با یکدیگر جمع نمی‌شوند» (تمیمی آمدی، ۱۴۱۰ق، ص ۵۳۶). امام صادق علیه السلام نیز با بیانی هشداردهنده می‌فرماید: «فَارْفُضِ الدُّنْيَا فَإِنَّ حَبَّ الدُّنْيَا يَعْمي وَ يَصْمُ وَ يَبْكُم: دُنْيَا رَا رَهَا كُنْ كَه دُوسْتِي آن آدمی را کور و کر و گنگ می‌سازد» (حکیمی و دیگران، ۱۳۸۰ش، ج ۴، ص ۳۰). این موارد از مهم‌ترین آفت‌های دنیاطلبی در عرصه معیشت به شمار می‌آیند.

۲. مردود بودن دنیاگریزی و گسست ایمان از معیشت

در کنار رویکرد دنیامدارانه، رویکرد دیگری نیز در مواجهه با دنیا و معیشت شکل گرفته است که می‌توان از آن با عنوان «دنیاگریزی» یاد کرد. برخی متدینان با استناد به آیات و روایاتی که انسان را از حب دنیا برحذر می‌دارند، چنین نتیجه می‌گیرند که فاصله‌گیری از دنیا و کناره‌گیری از اشتغال به امور معیشتی، امری مطلوب و نشانه تقرب به خداوند است. بر اساس این برداشت، هرچه انسان کمتر به دنیا و معیشت بپردازد، به خدا نزدیک‌تر خواهد شد.

این رویکرد اگرچه در ظاهر رنگ‌وبوی دینداری دارد، اما با مجموعه تعالیم اسلامی سازگار نیست. تاریخ ادیان و مذاهب مختلف از جمله مسیحیت و آیین بودا، شاهد شکل‌گیری جریان‌های رهبانی و دنیاگریز بوده است. در دنیای اسلام نیز در میان برخی عارفان و صوفیان، گرایش‌هایی به دنیاستیزی و کناره‌گیری از دنیا مشاهده می‌شود؛ چنان‌که در برخی متون عرفانی از جمله آثار عطار نیشابوری این رویکرد بازتاب یافته است (محرمی و میرزایی، ۱۳۹۷ش؛ عطار نیشابوری، ۱۳۹۷ش)؛ برای نمونه در تذکرة الاولیا آمده است که بایزید بسطامی پس از سال‌ها ریاضت، به سبب آنکه «پوستینی از دنیا» با او همراه بود، به بارگاه الهی راه داده نشد (باقرزاده خیای و دیگران، ۱۴۰۱ش، ص ۳۸۵).

پرسش اساسی این است که آیا اسلام و اهل بیت علیهم السلام واقعاً چنین نگاهی به دنیا و معیشت دارند؟ روایتی صریح از امام صادق علیه السلام پاسخی روشن به این پرسش می‌دهد. ایشان می‌فرمایند: «لَيْسَ مِمَّا مَنْ تَرَكَ دُنْيَاهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتَهُ لِدُنْيَاهُ: از ما نیست کسی که دنیا را برای آخرتش یا آخرت را برای دنیایش ترک کند» (ابن بابویه، ۱۴۱۳ق. ج ۳، ص ۱۵۶). این روایت دو نوع گسست را به صراحت مردود می‌شمارد: الف) گسست آخرت از دنیا که همان دنیامداری است؛ ب) گسست دنیا از آخرت که به دنیاگریزی و ترک معیشت می‌انجامد. بنابراین همان معصومانی که ما را از حب دنیا برحذر داشته‌اند، ترک دنیا و کناره‌گیری از مسئولیت‌های معیشتی را نیز نفی کرده‌اند. در روایتی دیگر، هنگامی که نزد امام صادق علیه السلام از مردی یاد می‌شود که در خانه نشسته و تنها به نماز و روزه مشغول است و می‌گوید روزی من خود به خود خواهد رسید، امام علیه السلام می‌فرماید: «او از کسانی است که دعایشان مستجاب نمی‌شود» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۷).

قرآن کریم نیز با بیانی قاطع، تحریم نعمت‌ها و روزی‌های پاک الهی را مورد انکار قرار می‌دهد. خداوند به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَ الطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ: بگو چه کسی زینت‌های خدایی را که برای بندگانش آفریده و همچنین رزق و روزی پاکیزه را حرام کرده است» (اعراف: ۳۲). به تصریح مفسران، این آیه با لحنی تند، پندار کسانی را رد می‌کند که پرهیز از زینت‌ها و روزی‌های حلال را نشانه زهد و تقوا می‌دانند؛ چراکه اگر این امور ناپسند بودند، خداوند آنها را نمی‌آفرید (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴ش، ج ۶، ص ۱۴۹). مغنیه نیز تصریح می‌کند که این تحریم‌ها برخاسته از وسوسه‌های شیطان است، نه وحی الهی (مغنیه، ۱۳۸۶ش، ج ۳، ص ۴۹۸).

بر این اساس، همان‌گونه که دنیامداری و غایت‌انگاری معیشت از منظر اسلام مذموم است، دنیاگریزی و گسستن ایمان از معیشت نیز مردود شمرده می‌شود. آموزه‌های اسلامی، انسان مؤمن را نه به ترک دنیا، بلکه به تنظیم رابطه درست با دنیا و معیشت فرامی‌خوانند؛ رابطه‌ای که در آن، معیشت در خدمت ایمان قرار می‌گیرد، نه در تعارض با آن.

۳. الگوی مطلوب پیوند ایمان و معیشت (دنیاپردازی مؤمنانه به مثابه چارچوب اقتصاد ایمانی)

پس از آنکه روشن شد هم دلبستگی و وابستگی به دنیا و هم ترک و طرد آن از منظر آموزه‌های اسلامی مردود است، این پرسش اساسی پیش می‌آید که اسلام چه الگوی مثبتی

برای مواجهه با دنیا و به طور خاص با عرصه معیشت و فعالیت اقتصادی ارائه می‌دهد؟ قرآن کریم در آیه ۷۷ سوره «قصص» که مشتمل بر اندرزهای خدا باوران به قارون دنیا مدار است، الگوی روشنی از پیوند ایمان و معیشت را ترسیم می‌کند. انسان در این آیه مأمور می‌شود با آنچه خداوند در دنیا در اختیار او قرار داده است، برای خود آخرتی نیکو فراهم آورد؛ با این وجود، سهم الهی خویش از دنیا را نیز فراموش نکند: «وَابْتَغِ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَ لَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا» (قصص: ۷۷).

دلالت آیه آن است که معیشت و امکانات مادی، نه اموری مزاحم ایمان، بلکه ابزارهایی در اختیار انسان برای ساختن سرنوشت اخروی‌اند. در این چارچوب، مسئله نه ترک فعالیت اقتصادی و نه غایت‌انگاری آن، بلکه جهت‌دهی ایمانی به معیشت است. دنیا و اقتصاد زمانی ارزشمند و مشروع‌اند که در خدمت غایت‌های الهی و اخروی قرار گیرند.

با ملاحظه مجموع آیات و روایات، می‌توان گفت اسلام نه آخرت‌گرایی گسسته از معیشت را می‌پذیرد و نه دنیاگرایی بریده از آخرت را، بلکه انسان را به الگویی دعوت می‌کند که می‌توان آن را «دنیاپردازی آخرت‌گرا» یا «دنیاپردازی مؤمنانه» نامید.

در همین راستا، امام صادق علیه السلام با نگاهی واقع‌بینانه به کارکرد دنیا در حیات ایمانی، از دنیا در جایگاه پشتیبانی خوب برای آخرت یاد می‌کند: «نِعْمَ الْعَوْنُ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۲). این بیان نشان می‌دهد که دنیا - به‌ویژه عرصه معیشت و اقتصاد - می‌تواند پشتیبان ایمان و آخرت باشد؛ به شرط آنکه در چارچوب صحیح خود قرار گیرد. از این منظر، اسلام از انسان می‌خواهد که بدون وابستگی و دلبستگی هویتی به دنیا، آن را در فضای ایمان و معنویت بپذیرد و با پیوند دادن دین و معیشت در مسیری واحد، در جهت تحقق اهداف الهی آفرینش حرکت کند. بنابراین همان‌گونه که دنیا‌مداری مردود است، دنیاگرایی و ترک مسئولیت‌های معیشتی نیز نفی می‌شود و راه درست، پرداختن مسئولانه و هدفمند به دنیا با جهت‌گیری ایمانی است.

رویکرد ایمانی دنیاپرداز، نگاهی منفی یا بدبینانه به دنیا و فعالیت‌های اقتصادی ندارد، بلکه دنیا را بخشی از نظام حکیمانه آفرینش الهی می‌داند. بر اساس این نگرش، اگر کار، تولید، کسب روزی و حتی انباشت ثروت بر مدار ایمان سامان یابد، می‌تواند زمینه‌ساز رشد معنوی و

تقرب الهی باشد. اقتضای ایمان در این رویکرد نه ترک معیشت، بلکه سامان‌دهی آن بر محور ارزش‌های ایمانی است. تفاوت اساسی این رویکرد با دنیا‌مداری در آن است که فرد مؤمن هرچند برای فعالیت‌های اقتصادی خود ارزش قائل است، هویت و غایت خویش را در آنها خلاصه نمی‌کند و هرگاه ایمان اقتضا کند، به‌راحتی از منافع دنیوی چشم می‌پوشد.

«دنیاپردازی مؤمنانه» به معنای طراحی و تنظیم زیست دنیوی - به‌ویژه زیست اقتصادی - بر اساس اصول، ارزش‌ها و باورهای دینی است. در این چارچوب، مفاهیمی چون کار، روابط اقتصادی، سیاست‌گذاری مالی، توزیع ثروت و حتی تعامل با طبیعت همگی ذیل ایمان معنا می‌یابند. در چنین الگویی، امور دنیوی نه بی‌ارزش تلقی می‌شوند و نه مستقل از معنویت، بلکه در دل ایمان تعریف می‌گردند و هویت‌های فردی و اجتماعی با هویت دینی همسو می‌شوند. بنابراین فعالیت‌هایی چون تأمین معاش خانواده، دفاع از منافع عمومی یا حفاظت از محیط‌زیست، هنگامی که با نیت و جهت‌گیری ایمانی انجام شوند، بخشی از دینداری و مسئولیت الهی انسان محسوب می‌شوند.

قرآن کریم این نگرش فعال و مسئولانه به دنیا و معیشت را در بیان حضرت صالح علیه السلام به‌روشنی تأیید می‌کند؛ آنجا که خداوند از زبان او می‌فرماید: «خداوند یگانه را که جز او خدایی نیست پرستش کنید؛ او خدایی است که شما را از زمین بیافرید و از شما خواست که به عمارت و آبادانی آن پردازید: **وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا**» (هود: ۶۱). به تصریح برخی از مفسران، این آیه به‌روشنی دیدگاه کسانی را رد می‌کند که کسب‌وکار و اشتغال به امور معیشتی را امری ناپسند یا ناسازگار با دینداری می‌دانند؛ چراکه خداوند توانمندسازی انسان برای آبادانی زمین و سامان‌دهی زندگی دنیوی را از نعمت‌های بنیادینی می‌شمارد که خود مستلزم پرستش و بندگی اوست (طوسی، [بی‌تا]، ج ۶، ص ۱۶).

۴. تشابه اعمال در صورت ظاهری و تفاوت در صورت باطنی

انسان‌ها در زندگی اجتماعی غالباً درگیر فعالیت‌هایی هستند که از حیث صورت ظاهری شباهت زیادی به یکدیگر دارند. افراد بسیاری را می‌توان مشاهده کرد که همگی در حال رانندگی‌اند، گروهی در معادن به حمل مواد مشغول‌اند، جمعی در باغ‌ها میوه می‌چینند، عده‌ای فروشنده مواد غذایی‌اند، برخی کار مکانیکی انجام می‌دهند، گروهی در تجارت فعالیت دارند و

برخی دیگر به امور اداری اشتغال یافته‌اند. در همه این موارد، کنش‌های بیرونی و مشهود افراد مشابه به نظر می‌رسد؛ اما این شباهت ظاهری لزوماً به معنای یکسان‌بودن حقیقت و ارزش اعمال نیست.

تفاوت اساسی اعمال نه در صورت خارجی آنها، بلکه در صورت باطنی و کیفیت درونی آنها نهفته است؛ امری که به نیت، انگیزه و حال درونی فاعل عمل بازمی‌گردد. برای روشن‌شدن این نکته، فرض کنید فردی را می‌بینید که به نیازمندی کمک می‌کند. در نگاه نخست، این رفتار عملی ارزشمند تلقی می‌شود؛ اما اگر آشکار شود که این کمک صرفاً برای فریب‌دادن آن فرد یا تحقق هدفی ناصواب انجام گرفته است، داوری اخلاقی ما به کلی تغییر می‌کند. در این حالت، صورت ظاهری عمل هیچ تغییری نمی‌کند؛ اما به سبب تغییر نیت، ارزش آن فرو می‌ریزد و حتی قبیح شمرده می‌شود.

بنابراین نمی‌توان اعمالی را که در ظاهر مشابه‌اند، از حیث ارزش و حقیقت نیز یکسان دانست؛ برای مثال اگر گروهی از افراد در حال کمک مالی به فقیری باشند، با وجود شباهت کامل رفتار بیرونی، نمی‌توان این اعمال را هم‌ارز دانست؛ چراکه نیت‌ها متفاوت است. ممکن است یکی از سر ریا و نمایش اجتماعی، دیگری صرفاً از روی ترحم انسانی، فردی با قصد جلب رضای الهی و شخصی دیگر با نیت تقرب بیشتر و حتی نیابت از امام زمان علیه‌السلام اقدام به این کار کرده باشد. بدیهی است که این نیت‌های متفاوت، صورت‌های باطنی متمایزی پدید می‌آورند؛ در نتیجه ارزش اعمال نیز به شدت متفاوت خواهد بود؛ به گونه‌ای که برخی از این اعمال بسیار ارزشمند، برخی دارای ارزش کمتر و برخی حتی بی‌ارزش یا مذموم‌اند.

به این حقیقت در متون دینی به روشنی تأکید شده است. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم می‌فرماید: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَ إِنَّمَا لِأَمْرِي مَا نَوَى؛ جز این نیست که اعمال به نیت‌هاست و در حقیقت برای هر کس آن چیزی است که نیت می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۸). امام صادق علیه‌السلام نیز می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَحْشُرُ النَّاسَ عَلَى نِيَّاتِهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: خداوند در روز قیامت مردم را مطابق نیت‌هایشان محشور می‌کند» (حر عاملی، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۴۸).

ذکر این مباحث از آنرو اهمیت دارد که تفاوت بنیادین میان کنش‌های یک فرد دنیا مدار و یک فرد آخرت‌گرا در عرصه معیشت روشن شود. نباید چنین پنداشت که چون هر دو در فعالیت‌های

اقتصادی مشابهی اشتغال دارند، میان آنها تفاوتی وجود ندارد. هر چند صورت ظاهری اعمال این دو یکسان است، صورت باطنی آنها که برخاسته از نیت و جهت‌گیری وجودی است، تفاوتی عمیق دارد و همین تفاوت، ارزش ایمانی و اخلاقی عمل را رقم می‌زند.

۵. نیت‌های درست و مقاصد صحیح در فعالیت‌های معیشتی

پس از روشن شدن نقش بنیادین نیت در ارزش‌گذاری اعمال، این پرسش اساسی مطرح می‌شود که اگر فردی بخواهد فعالیت‌های دنیوی و معیشتی خود را در مسیر سعادت اخروی قرار دهد، چه نیت‌ها و مقاصدی باید داشته باشد؟ روایات اهل بیت علیهم‌السلام پاسخ روشنی به این پرسش داده‌اند. بر اساس روایتی، فردی به امام صادق علیه‌السلام عرض می‌کند که ما همگی طالب دنیا هستیم و دوست داریم از نعمت‌های آن بهره‌مند شویم. حضرت از او می‌پرسد که دنیا را برای چه می‌خواهی؟ او پاسخ می‌دهد: برای تأمین رفاه خود و خانواده‌ام، رسیدگی به خویشاوندان، کمک به نیازمندان و انجام حج و عمره. امام علیه‌السلام در پاسخ می‌فرماید: «لیس هذا طلب الدنيا هذا طلب الآخرة: این دنیا طلبی نیست، بلکه آخرت طلبی است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۲).

این روایت به روشنی نشان می‌دهد که ملاک دنیا دوستی مذموم، خودپرداختن به معیشت نیست، بلکه غایت و نیت حاکم بر آن است. در همین راستا امام باقر علیه‌السلام می‌فرماید: «کسی که دنیا را طلب می‌کند تا نیازهای خود را برطرف سازد، دست نیاز به سوی مردم دراز نکند، خانواده‌اش در آسایش باشند و به همسایگان و اطرافیان خود نیکی رساند، روز قیامت خداوند را با چهره‌ای چون ماه شب چهارده ملاقات خواهد کرد» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۷۸).

همچنین در روایتی آمده است که اصلاح معیشت نشانه فهم و دانایی انسان است و تلاش برای آنچه زندگی انسان را سامان می‌دهد، از مصادیق دنیا دوستی مذموم به شمار نمی‌آید: «من فقه الزجل أن یصلح معیشته و لیس من حبّ الدنیا طلب ما یصلحک» (پابنده، ۱۳۸۲ش، ص ۷۷۳).

از مجموع این روایات می‌توان نیت‌ها و مقاصد صحیح برای فعالیت‌های اقتصادی را به دست آورد. بر این اساس هر فعالیت معیشتی که با هدف تأمین نیازهای واقعی فرد و دیگران، حفظ کرامت انسانی، بی‌نیازی از خلق و خدمت به جامعه انجام شود، از منظر دینی عملی ارزشمند و ستوده محسوب می‌شود. البته تشخیص نیازهای واقعی از نیازهای کاذب و نیز

اولویت‌بندی آنها خود بحثی مستقل و مهم است؛ اما به طور کلی تلاش برای سامان‌دهی معیشت بر اساس نیازهای اصیل انسانی، امری ممدوح و مورد تأیید شریعت است.

در همین چارچوب، امام رضا علیه السلام می‌فرماید: «الَّذِي يَطْلُبُ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مَا يَكْفِيْ بِهٖ عِيَالَهُ اَعْظَمُ اَجْرًا مِنَ الْمُجَاهِدِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: کسی که برای تأمین زندگی خانواده خود فضل خدا را طلب می‌کند، اجر و پاداش او از اجر یک مجاهد در راه خدا بیشتر است» (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۵، ص ۸۸). این روایت جایگاه فعالیت معیشتی آگاهانه و ایمانی را تا حد جهاد در راه خدا بلکه فراتر از آن ارتقا می‌دهد و نشان می‌دهد که کار اقتصادی در صورت برخورداری از نیت صحیح، می‌تواند صورتی عبادی و جهادی به خود بگیرد.

در اینجا است که پرسش مهمی پیش می‌آید: آیا فرد مسلمان هنگامی که برای کسب روزی تلاش می‌کند، چنین نگرش و احساسی به کار خود دارد؟ آیا فضای فرهنگی و اجتماعی جامعه به گونه‌ای است که فعالیت اقتصادی با انگیزه‌های ایمانی و آخرت‌گرایانه همراه شود؟ به نظر می‌رسد اگر هدف، شکل‌دهی جامعه‌ای پویا، سالم و مقاوم باشد، باید به این بُعد ایمانی معیشت توجهی جدی شود؛ به گونه‌ای که افراد بدانند تلاش اقتصادی آنان اگر با نیت الهی انجام گیرد، عبادتی بزرگ و دارای پاداش عظیم است.

در چنین فضایی، فعالیت اقتصادی از آفت‌هایی مانند تقلب، کم‌کاری، سودجویی ناعادلانه و بی‌مسئولیتی اخلاقی مصون می‌ماند؛ چراکه فرد مؤمن کار خود را نه صرفاً یک کنش اقتصادی، بلکه جزئی از زیست ایمانی و مسئولیت الهی خویش می‌داند. این همان نقطه‌ای است که اقتصاد مؤمنانه از اقتصاد صرفاً دنیوی متمایز می‌شود و معیشت به عرصه‌ای برای تحقق ایمان بدل می‌گردد.

۶. رعایت تعادل و توازن

یکی از اصول بنیادین در تعالیم اسلامی، پرهیز از یک‌جانبه‌گرایی و تأکید بر رشد متوازن شخصیت انسانی است. از منظر دین، کمال انسان در آن نیست که تنها بر یک بُعد از حیات خود اعم از عبادت یا معیشت تمرکز کند، بلکه شخصیت دینی مطلوب، شخصیتی است که میان ابعاد عبادی، معیشتی و عاطفی زندگی تعادل برقرار کند. بنابراین نه پرداختن صرف به عبادات فردی بدون توجه به مسئولیت‌های اقتصادی و اجتماعی نشانه کمال است و نه اشتغال

کامل به معیشت همراه با غفلت از ساحت معنوی، با الگوی انسان مؤمن سازگار است. این نگاه متوازن به روشنی در سخنان امامان معصوم علیهم‌السلام منعکس شده است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام مؤمن را کسی می‌داند که شبانه‌روز خود را به سه بخش تقسیم می‌کند: «لِلْمُؤْمِنِ ثَلَاثُ سَاعَاتٍ؛ فَسَاعَةٌ بِنَاجِي فِيهَا رَبُّهُ، وَ سَاعَةٌ يَرْمُ مَعَاشَهُ، وَ سَاعَةٌ يُحَلِّي بَيْنَ نَفْسِهِ وَ بَيْنَ لَدَّتِهَا فِيمَا يَحِلُّ وَ يَجْمَلُ. وَ لَيْسَ لِلْعَاقِلِ أَنْ يَكُونَ شَاخِصاً إِلَّا فِي ثَلَاثٍ: مَرْقَةَ لِمَعَاشٍ، أَوْ خُطْوَةَ فِي مَعَادٍ، أَوْ لِدَّةٍ فِي غَيْرِ مُحَرَّمٍ: بخش‌ی برای مناجات و عبادت، بخش‌ی برای تأمین معیشت و بخش‌ی برای بهره‌مندی از لذت‌های حلال و شایسته. ایشان همچنین تأکید می‌کنند که انسان عاقل جز در این سه مسیر حرکت نمی‌کند: سامان‌دادن به زندگی دنیوی، گام برداشتن در مسیر آخرت و بهره‌گیری از لذت‌های غیر محرم» (نهج‌البلاغه، حکمت ۳۹۰).

بر اساس این آموزه، معیشت نه رقیب ایمان است و نه جایگزین آن، بلکه یکی از ارکان زیست متعادل مؤمنانه به شمار می‌آید. هرگاه این توازن برهم بخورد، چه به شکل افراط در دنیاپرذاری و چه در قالب کناره‌گیری از مسئولیت‌های معیشتی، شخصیت دینی با اختلال مواجه می‌شود. بنابراین رعایت تعادل میان ایمان، کار و بهره‌مندی مشروع از دنیا، شرط اساسی تحقق الگوی مطلوب پیوند ایمان و معیشت در زندگی فردی و اجتماعی است.

۷. ارزش افزوده برای اعمال

با توجه به آنچه در باب تفاوت «صورت ظاهری» و «صورت باطنی» اعمال و نقش نیت در ارتقای حقیقت عمل بیان شد، می‌توان نتیجه گرفت که انسان مؤمن می‌تواند حتی برای ساده‌ترین کنش‌های روزمره خویش نیز «ارزش افزوده» ایجاد کند. این ارزش افزوده نه از تغییر ظاهر عمل، بلکه از ارتقای افق قصد و نیت پدید می‌آید. بر همین اساس مؤمن در روایات، انسانی زیرک و هوشمند معرفی شده است: «الْمُؤْمِنُ كَيْسٌ فَطِنٌ حَذِرٌ» (پابنده، ۱۳۸۲ ش، ص ۷۸۰)؛ زیرا می‌داند چگونه با یک نیت صحیح، عمل واحد را به مراتبی کاملاً متفاوت از حیث ارزشی ارتقا دهد.

در منطق ایمانی، کوچکی یا بزرگی ظاهرِ عمل معیار نهایی ارزش آن نیست. چه بسا اعمالی که در مقیاس اجتماعی بسیار بزرگ جلوه می‌کنند، به سبب آلودگی نیت به اغراض دنیوی، بهره‌ای برای آخرت باقی نمی‌گذارند؛ در مقابل، کنش‌هایی به‌غایت کوچک و به‌ظاهر

ناچیز، به دلیل خلوص نیت، واجد ارزشی عظیم می‌شوند. گزارش‌هایی که از تجربه‌های برزخی برخی افراد نقل شده است، به خوبی این حقیقت را آشکار می‌کند: اعمالی که با هدف دیده‌شدن و کسب اعتبار اجتماعی انجام گرفته‌اند، همان جا که به این هدف دنیوی رسیده‌اند، پایان یافته‌اند و چیزی از آنها برای ساحت دیگر باقی نمانده است؛ در حالی که برخی رفتارهای کوچک که حتی از یاد فاعل آن رفته بود، به سبب خلوص نیت، منشأ نجات و عبور از مراحل دشوار برزخی شده‌اند.

بر این اساس، تفاوت ارزشی اعمال نه در «چه‌بودن» آنها، بلکه در «برای چه‌بودن» آنهاست. ضربت شمشیر در ظاهر ضربت شمشیر است؛ اما ضربت علی علیه السلام کجا و ضربت دیگران کجا. حتی میان یاران آن حضرت نیز یک کنش واحد می‌تواند به سبب تفاوت نیت‌ها، مراتب کاملاً متفاوتی از ارزش را دارا باشد. این تفاوت، تفاوت در صورت عمل نیست، بلکه تفاوت در جان عمل است.

همین معنا را می‌توان در مثال‌های ساده‌تر زندگی روزمره نیز مشاهده کرد. نوشیدن یک فنجان چای در خانه یا در مجلس روضه از حیث ظاهر تفاوتی ندارد؛ هر دو «چای خوردن» است؛ اما آن کجا و این کجا.

دانهٔ فلفل سیاه و خال مهرویان سیاه هر دو یک‌رنگ‌اند اما این کجا و آن کجا؟! آنچه این دورا از یکدیگر جدا می‌کند، حال و هوا و افق معنایی نهفته در پس عمل است؛ چای خانه اغلب برای رفع نیاز یا لذت شخصی نوشیده می‌شود؛ اما چای مجلس روضه در تجربه فاعل، نشستن بر سفرهٔ اهل بیت علیهم السلام و برخورداری از نگاهی دیگر است. همین تغییر افق به کنشی کاملاً مشابه، ارزشی به مراتب بالاتر می‌بخشد.

از مرحوم شیخ عبدالله بختیاری مشهور به شیخ عبدالله پیاده - که به سبب انجام همهٔ سفرهای زیارتی خود با پای پیاده بدین نام شناخته می‌شد - نقل شده است که در دوران جوانی در مجالس ایام عاشورا با فردی مواجه می‌شد که حضور او در این مجالس تنها به نوشیدن چای محدود بود. به تعبیر خود شیخ، این فرد نه به سخنرانی گوش می‌داد، نه به روضه توجهی نشان می‌داد و نه در سینه‌زنی و گریه مشارکت می‌کرد؛ بلکه گویا از مجموع مجلس عزاداری، تنها «چای خوردن» را برگزیده بود. شیخ عبدالله می‌گوید بارها او را در مجالس نجف و کربلا دیده بود و هر بار همان رفتار را مشاهده می‌کرد؛ رفتاری که در نظر او نه تنها ارزشی نداشت، بلکه

موجب نوعی دل‌زدگی و احساس تنفر نیز می‌شد. حتی پس از بازگشت به قم، در حسینیه کربلایی‌های قم نیز همان فرد را با همان خصلت دید؛ کسی که همچنان فقط برای بهره‌مندی از پذیرایی مجالس روضه حاضر می‌شد. پس از مدتی، آن فرد از دنیا می‌رود. شیخ عبدالله پیاده نقل می‌کند که در مکاشفه‌ای، عالم قبر و برزخ او به وی نشان داده شد و مشاهده کرد که جایگاه او بسیار نیکوست. با شگفتی از او پرسید: تو که در دنیا نه سینه می‌زدی، نه روضه گوش می‌دادی، نه گریه می‌کردی و تنها در مجالس چای می‌خوردی؛ این جایگاه چگونه برایت فراهم شده است؟ آن فرد پاسخ داد: این مقام را امام حسین علیه السلام به من عطا کرده و فرموده است که تا قیامت در این جایگاه باش و در قیامت، جایگاهی بهتر به تو خواهم داد. شیخ که هنوز این پاسخ را با ظاهر اعمال او ناسازگار می‌دید، دوباره گفت: تو که کاری نکردی، فقط چای می‌خوردی! امام حسین علیه السلام این پاداش را به چه سبب به تو داده است؟ در این هنگام، آن فرد با لحنی تند و عتاب‌آلود پاسخ داد: «شیخ عبدالله، مگر من چای غیر امام حسین علیه السلام را می‌خوردم؟» این پاسخ، پرده از حقیقت نیت او برمی‌داشت. او آگاه بود که چه می‌نوشد و به سفره چه کسی نشسته است. چای مجلس را نه یک پذیرایی عادی، بلکه «چای امام حسین علیه السلام» می‌دانست و با همین شناخت و قصد، در مجالس حاضر می‌شد. همین نیت و حال و هوای باطنی همراه آن به کنشی به ظاهر ناچیز، ارزشی بخشیده بود که در محاسبات ظاهرینانه قابل درک نبود. شیخ عبدالله پیاده در پایان این مکاشفه اعتراف می‌کند که پس از آن همواره با حسرت به داوری شتابزده خود می‌اندیشد و می‌گوید: «چه اشتباهی کردم که ارزش کار این فرد را نفهمیدم» (عالی، ۱۴۰۲).

نتیجه آنکه مؤمن می‌تواند با اصلاح نیت به کنش‌های عادی زندگی خود معنایی مضاعف ببخشد. تفاوت انسان مؤمن و انسان دنیا مدار لزوماً در نوع فعالیت‌های معیشتی نیست؛ هر دو کار می‌کنند، می‌کوشند و در اقتصاد حضور دارند؛ اما مؤمن با پیوند همین فعالیت‌ها به افق الهی، کاری می‌کند که معیشت او صرفاً ابزار بقا نباشد، بلکه به میدان تقرب و رشد تبدیل شود. بر اساس همین نگرش، حتی آشپزی یک بانوی خانه‌دار اگر با نیت هدیه به اهل بیت علیهم السلام یا اولیای الهی انجام گیرد، می‌تواند واجد نوری شود که با یک کار صرفاً دنیوی مقایسه‌شدنی نیست.

نمونه عینی و اجتماعی این حقیقت را می‌توان در آیین پیاده‌روی اربعین مشاهده کرد. افراد در این مسیر به همان کارهایی مشغول‌اند که در زندگی عادی نیز انجام می‌دهند: آشپزی، نظافت،

پذیرایی، تعمیر کفش و وسایل. صورت عمل تغییری نکرده است؛ اما صورت باطنی آن به سبب عشق و ارادت حسینی دگرگون شده است. همین دگرگونی در نیت و معناست که به کنش‌های تکراری، ارزشی می‌بخشد که در شرایط عادی دست‌یافتنی نیست.

بر این اساس، «ارزش افزوده ایمانی» نه امری بیرون از زندگی روزمره، بلکه حاصل نگاهی است که زندگی عادی را به عرصه‌ای برای تعالی معنوی بدل می‌کند؛ نگاهی که در آن معیشت نیز می‌تواند صورت عبادت به خود بگیرد.

نتیجه

برایند مباحث این مقاله نشان می‌دهد که در منطق تعالیم اسلامی، معیشت نه امری بیرون از قلمرو ایمان است و نه عرصه‌ای خنثی و صرفاً مادی. اسلام هم دنیامداری و غایت‌انگاری معیشت را مردود می‌شمارد و هم دنیاگریزی و گسستن ایمان از مسئولیت‌های اقتصادی را نفی می‌کند. آنچه در قرآن کریم و سیره و گفتار اهل بیت علیهم‌السلام ترسیم شده است، الگویی متعادل و معنامند از پیوند ایمان و معیشت است که می‌توان از آن با عنوان «دنیاپردازی مؤمنانه» یاد کرد؛ الگویی که در آن فعالیت‌های دنیوی و اقتصادی در خدمت اهداف الهی و اخروی قرار می‌گیرند. بر اساس این نگرش، تفاوت بنیادین میان کنش‌های معیشتی انسان مؤمن و انسان دنیامدار، نه در صورت ظاهری اعمال، بلکه در صورت باطنی آنها و در نیت و جهت‌گیری حاکم بر عمل نهفته است. فعالیت اقتصادی، تأمین معاش، تولید و حتی بهره‌مندی از نعمت‌های دنیا، هنگامی که با نیت صحیح و مقاصد الهی انجام شوند، از سطح رفتارهای صرفاً دنیوی فراتر می‌روند و واجد ارزش ایمانی و قرب‌آفرین می‌شوند. بر اساس این نگرش، معیشت می‌تواند به عرصه‌ای برای تحقق ایمان، حفظ کرامت انسانی، خدمت به دیگران و رشد معنوی تبدیل گردد.

بنابراین اصلاح نیت و جهت‌دهی ایمانی به کنش‌های روزمره، امکان ایجاد «ارزش افزوده ایمانی» را برای ساده‌ترین اعمال زندگی فراهم می‌آورد. در چنین افقی، کار و تلاش اقتصادی نه مانعی در مسیر دینداری، بلکه بخشی از زیست مؤمنانه و مسئولیت الهی انسان تلقی می‌شود. پیوند آگاهانه ایمان و معیشت به انسان مؤمن این امکان را می‌دهد که در متن زندگی عادی و فعالیت‌های روزمره، همان افق معنایی و الهی را تجربه کند که در عرصه‌های برجسته‌تر دینی و عبادی، همچون مناسک و شعایر جستجو می‌شود؛ از این رو معیشت ایمانی نه تنها با ایمان تعارضی ندارد، بلکه می‌تواند به یکی از مهم‌ترین میدان‌های تجلی و تعمیق آن بدل شود.

کتابنامه

قرآن کریم

نهج البلاغه

۱. ابن بابویه، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، تصحیح: علی اکبر غفاری، قم: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی، تحف العقول، ترجمه: صادق حسن زاده، قم: انتشارات آل علی علیه السلام، ۱۳۸۲ ش.
۳. باقرزاده خیابوی، فاطمه و دیگران، «تقابل عرفان زاهدانه و عاشقانه در تذکرة الاولیای عطار نیشابوری»، عرفان اسلامی، دوره ۱۹، ش ۷۱، ص ۳۷۵ - ۳۹۳، ۱۴۰۱ ش.
۴. پاینده، ابوالقاسم، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: دنیای دانش، ۱۳۸۲ ش.
۵. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و دررالکلم، تصحیح: سیدمهدی رجائی، قم: دارالکتاب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۶. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۷. حکیمی، محمدرضا و دیگران، الحیة، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، ۱۳۸۰ ش.
۸. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار احیاء التراث العربی، [بی تا].
۹. عالی، مسعود، سخنرانی. ۱۴۰۲. پایگاه اطلاع رسانی هیئت ها و محافل مذهبی (عقیق): در: <https://aghigh.ir/fa/news/12611>
۱۰. عطار نیشابوری، شیخ فریدالدین، تذکرة الاولیاء، تصحیح: محمد استعلامی، چ ۲۸، تهران: انتشارات زوار، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح: علی اکبر غفاری و محمد آخوندی، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۱۲. محرمی، رامین و پریسا میرزایی ماهر، «دنیاستایی و دنیاستیزی در الهی نامه و اسرارنامه عطار نیشابوری»، در: نخستین همایش بین المللی زبان فارسی و اندیشه ایرانی - اسلامی درباره فریدالدین عطار نیشابوری: زندگی، آثار و افکار، ۱۳۹۷ ش.
۱۳. مغنیه، محمدجواد، تفسیر کاشف، قم: مؤسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۶ ش.
۱۴. مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴ ش.